



Methods of Expressing the Concept of Plural in Tati

Jahandoost Sabzalipour¹ 

Department of Persian Language and Literature,
Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Abstract

Languages around the world express the concept of plural in various ways, employing structural, syntactic, and lexical methods. This research investigates how the concept of plural is articulated in Tati, a language from the Northwestern branch of Iranian languages. The focus is on the Darvi dialect of Tati, which is prevalent in the village of Derav located in the Shahroud district of Khalkhal. In the Darvi Tati dialect, several methods are utilized to convey the notion of plural, including structural, structural-syntactic, verb agreement, pronoun agreement, reduplication, combination, and lexical approaches. The data was primarily gathered through fieldwork, complemented by the author's own linguistic intuition as a native Tati speaker. Notably, this dialect has specific rules for expressing the plural form of family names and body parts that are not applicable in other contexts. The presence of ergative construction leads to nouns and plural pronouns having distinct direct and indirect forms. Moreover, both verb and pronoun agreement is obligatory in this dialect. It is important to mention that some plural expression methods are unique to humans and do not apply to objects or animals. In Tati, number is a crucial grammatical category, and neglecting proper usage can result in grammatical errors.

Keywords: Tati language, Dravi dialect, number, plural concept, Tati Khalkhal, verb conjugation.

1. sabzalipor@gmail.com (Corresponding Author)

How to cite: Sabzalipour, J. (2024). Methods of Expressing the Concept of Plural in Tati. *Language and Linguistics*, 20(40), 107- 130. doi: 10.30465/LSI.2025.51134.1793

1. Introduction

The category of number is one of the universal categories of world languages. At the very least, all the world's languages employ singular and plural pronouns. To express nominal number, languages typically use one of three forms: singular, dual, and plural. Singular and plural distinctions are present in most languages, while the dual form is limited to only a subset of the world's languages. Various strategies are employed across languages to express plurality, including morphological, morpho-syntactic, syntactic, lexical, agreement-based, and other methods. In Iranian languages, number is generally expressed through a grammatical category that marks singular and plural. In modern Iranian languages, the dual number is rarely attested; however, evidence from ancient languages such as Avestan and Old Persian indicates that the dual form was used alongside singular and plural (Abolghasemi, 2004: 29). In contemporary Iranian languages, discussions of grammatical number typically focus on singular and plural, with little to no reference to the dual.

Research Question

What is the method of expressing the concept of plural in the Tati language, one of the Iranian languages of the Northwest branch?

2. Literature Review

The category of numbers has been the subject of extensive research across languages. Notable among these are the works of Corbett (2000, 2003, 2006: 724–731), Corbett and Mithun (1996), Daniel (2020), and Daniel and Moravcsik. Among these, Corbett's studies are considered the most comprehensive on the subject. Several studies have also addressed the category of numbers in Iranian languages. For instance, Naghzguy-e Kohn (2022) examined associative plural constructions in several Iranian dialects. Shirzad and Darzi (2023), in their article, analyzed the structure of number phrases in Persian, as well as the issue of apparent mismatch between numerals and counted nouns.

The only study that has investigated plural-marking strategies in an Iranian dialect is Taheri (2023). In the article titled “Nominal Number in Bāderudi,” Taheri concludes that Bāderudi—a Central Iranian language within the Northwestern dialect subgroup, spoken in the small town of Bāderud near Isfahan—employs multiple strategies to mark nominal number. These include morphological marking, verbal agreement, pronominal agreement, and reduplication.

3. Method

The data for this study were entirely collected through fieldwork. The researcher, being a native speaker of the Tati language, has drawn upon his own linguistic intuition for the analysis.

4. Results

There are multiple strategies for expressing plurality or marking plural nouns, and each language utilizes one or more of these methods. Some of these strategies are morphological, some syntactic, and others lexical. In Dearvī Tati (a Northwestern Iranian language spoken in a village in Shahroud, Khalkhal), plural expression involves a range of strategies. These include morphological, morphosyntactic, verbal agreement, pronominal agreement, reduplication, compounding, and lexical methods. In this language, plural marking is obligatory, meaning that a plural noun must be marked using one of the available strategies.

Generally, plurality in Tati is expressed in two ways: either through overt marking, in which a singular noun is converted into a plural by a specific marker, or through covert (lexical) means, where particular words inherently convey plural meaning without any visible marker. In this language, certain semantic categories such as family names and body parts have unique pluralization strategies that are not used in any other context. Additionally, the presence of an ergative construction in this dialect causes plural nouns—as well as some pronouns—to have two distinct forms: an agentive and a non-agentive form. In ergative constructions, verb agreement in number aligns not with the subject (agent) but with the object (patient). In some

dialects of Khalkhal Tati—such as Karnaqi, Lardi, and Kajali—where grammatical gender distinctions have been preserved, verbs must agree with the object not only in number but also in gender.



روش‌های بیان مفهوم جمع در زبان تاتی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد رشت،
دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران



جهاندوست سبزعلیپور

چکیده

زبان‌های دنیا، با روش‌های مختلف مفهوم جمع را نشان‌دار می‌کند. تعدادی از این روش‌ها ساختوازی، تعدادی نحوی و بعضی واژگانی هستند. پرسش این تحقیق آنست که در زبان تاتی، از مجموع زبان‌های ایرانی شاخه شمال‌غربی، مفهوم جمع به چه روشی بیان می‌شود؟ زبان تاتی مورد بررسی این پژوهش، گونه دروی از گونه‌های تاتی رایج در روستای درو derav از روستاهای بخش شاهرود خلخال است. در این زبان، روش‌های ساختوازی، ساختوازی-نحوی، مطابقه فعلی و مطابقه ضمیری، مضاعف‌سازی، ترکیب و نیز روش واژگانی برای بیان مفهوم شمار جمع به کار می‌روند. داده‌های این تحقیق به روش میدانی جمع‌آوری شده و در تحلیل از شم زبانی نگارنده که خود گویشور تاتی است، نیز استفاده شده است. در این زبان، نام‌های خانوادگی و نیز اندام‌های بدن، هر کدام روش خاصی برای بیان جمع دارند که در هیچ بافت دیگری آن روش به کار نمی‌رود. رعایت ساخت ارگتیو در این گویش باعث شده، اسم‌ها و ضمائر جمع دو شکل فاعلی و غیرفاعلی داشته باشند. مطابقه فعلی و ضمیری در این گویش اجباری است. تعدادی از روش‌های بیان جمع در این گویش مختص انسان است و برای اشیاء و جاندار به کار نمی‌رود. شمار در این زبان یک مقوله دستوری اجباری است و رعایت نکردنش موجب بدساختی می‌شود.

کلیدواژه: زبان تاتی، گویش دروی، شمار، مفهوم جمع، تاتی خلخال، مطابقه فعلی.

۱- مقدمه

مقوله شمار از مقولات جهانی زبان یا از جهانی‌های زبان است. حداقل چیزی که در تمام زبان‌های دنیا به کار می‌رود، ضمائر چندگانه مفرد و جمع است. زبان‌های مختلف دنیا برای بیان شمار اسم، از سه حالت مفرد، مثنی و جمع استفاده می‌کنند. حالت مفرد و جمع در اغلب زبان‌های دنیا وجود دارد و حالت مثنی فقط در تعدادی از زبان‌های دنیا به کار می‌رود. در زبان‌های مختلف برای بیان مفهوم جمع از روش‌های مختلف ساختوازی، ساختوازی- نحوی، نحوی، واژگانی، مطابقه و روش‌های دیگر استفاده می‌شود.

زبان‌های ایرانی برای بیان شمار اغلب یک مقوله دستوری دارند و بر پایه آن مفرد و جمع را نشان می‌دهند. در زبان‌های ایرانی نو، کمتر شمار مثنی گزارش شده است، اما از زبان‌های باستان شواهدی از زبان‌های اوستایی و فارسی باستان در دست است که شمار مثنی را نیز در کنار شمار مفرد و جمع به کار می‌بردند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۲۹). امروزه در زبان‌های ایرانی هنگام صحبت از مقوله دستوری، اغلب مفرد و جمع بحث خواهد شد و حرفی از مثنی نیست. آنچه در این پژوهش بحث خواهد شد، روش‌های بیان مفهوم جمع در زبان تاتی است. زبان تاتی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است که در نواحی مختلفی از ایران و خارج از ایران رواج داشته و دارد. این زبان هم‌اکنون در نواحی مختلفی از شمال شرقی ایران یعنی از خراسان تا شمال غربی ایران و نیز مناطق مرکزی رایج است. گویش تاتی بررسی شده در این تحقیق گویش تاتی خلخال است که گونه‌های مختلفی دارد و از آن بین، داده‌های این تحقیق از گونه دروی deravi (روستایی در بخش شاهرود خلخال، از استان اردبیل) انتخاب شده است. داده‌های به دست آمده از این تحقیق همه به روش میدانی گردآوری شده و پژوهشگر که خود گویشور زبان تاتی است، از شمّ زبانی خود برای تحلیل استفاده کرده است.

در زبان تاتی برای بیان مفهوم جمع از روش‌های مختلف ساختوازی، ساختوازی- نحوی، واژگانی، مطابقه فعلی و ضمیری، ترکیب و مضاعف‌سازی استفاده می‌شود. در این زبان اسم‌های خانوادگی و همچنین اسامی بدن برای بیان جمع، روش‌های خاصی دارند. شمار در این زبان یک مقوله اجباری در دستور زبان است و رعایت نکردش باعث بدساختی خواهد شد.

۲- زبان تاتی

در یک طبقه‌بندی کلی تاتی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) تاتی شمالی؛ ب) تاتی جنوبی. تاتی شمالی به لحاظ تاریخی از زبان‌های ایرانی جنوب غربی و هم‌خانواده با زبان فارسی است. سخنگویان تاتی شمالی در خارج از ایران در داغستان (در بند)، منتهی الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان (باکو و وارتاشین) زندگی می‌کنند. تاتی جنوبی به لحاظ تاریخی از زبان‌های

ایرانی شمال غربی (هم خانواده با پهلوی اشکانی، مادی باستان و غیره) است (لُکوک، ۱۳۸۳: ۴۸۹). تاتی جنوبی در نواحی مختلف زیر در ایران رواج دارد:

- ۱- مناطقی در جنوب غرب قزوین: شامل گونه‌های تاکستانی، شالی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سَگَزآبادی، دانسفانی، اسفَرورینی و خوزنینی (Yarshater, 1969)؛ ۲- اشتهارد کرج؛ ۳- خلخال: شامل گونه‌های آسکستانی، آسبویی، دروی، کُلوری، شالی، دیزی، گَرنی، کَهلّی، لِرودی، گیلوانی، طهارم‌دشتی در بخش شاهرود و گونه کَجَلّی و کَرَنقی در بخش خورش‌رستم (نک. سبزعلیپور، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴؛ و Yarshater, 1959, 1960)؛ ۴- زنجان: در خویسن، در شصت کیلومتری جنوب غربی استان زنجان و طارم علیا (شامل گونه‌های نوکیانی، سیاورودی، هزارودی، جمال‌آبادی و باکُلوری، کله‌سری، شاوایی چَرزه‌یی (Yarshater, 1969: 17)؛ ۵- آذربایجان شرقی: شامل هَرزند، دیزمار، کرینگان، کلیر و مناطقی دیگر (نک. اصغری، ۱۳۸۵)؛ ۶- رودبار، الموت و کوهپایه. در رودبار گیلان در بخش جیرنده و فاراب (نک. سبزعلیپور، ۱۳۸۹ و برهانی‌نیا، ۱۳۹۶) و رستم‌آباد (نک. علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹)؛ ۷- شمال خراسان، جلگه شوغان و منطقه چهارده سَنخواست (صفرزاده، ۱۳۸۲: ۲۳)؛ ۸- استان تهران، حوالی قصران (نک. دیهیم، ۱۳۸۴: ۱۳).

نکته مهم درباره زبان تاتی آن است که این زبان یک خانواده بزرگ زبانی است. استان‌های محل رواج این زبان از شرق ایران عبارت بودند از: ۱- خراسان (بجنورد)؛ ۲- سمنان؛ ۳- استان مرکزی (ساوه و کُمیجان)، ۴- لواسان تهران (رودبار قصرن)؛ ۵- استان البرز (اشتهارد و طالقان در اطراف کرج)؛ ۶- قزوین (اطراف تاکستان و الموت)؛ ۷- زنجان (طارم علیا و خویسن)؛ ۸- گیلان (رودبار)؛ ۹- اردبیل (خلخال)؛ ۱۰- آذربایجان شرقی (کلیر، وَرزقان و مَرند)؛ ۱۱- جمهوری آذربایجان؛ ۱۲- داغستان (نک. سبزعلیپور، ۱۴۰۲).

دونالد استیلو از کسانی است که در مورد زبان تاتی تحقیقات فراوانی کرده‌اند. ایشان حاصل تحقیقات خود را در دو نوبت به چاپ (۱۹۸۱ و ۲۰۱۸) رسانده‌اند. استیلو در هر دو تحقیق خود تاتی را یک خانواده زبانی دانسته و اسمش را تاتیک^۱ گذاشته است. استیلو در تحقیق اول (۱۹۸۱) خود تاتی را به ده گروه به شرح زیر تقسیم کرد: (۱) هرزنی (گویش هَرزنی بین مَرند و جُلُفا در استان آذربایجان شرقی؛ گویش دیزماری (به‌ویژه در روستای کرینگان) و بخش حسنو در آذربایجان شرقی؛ ۲) تالشی (تالشی شمالی (در اطراف آستارا)، ب) تالشی مرکزی (اسالمی و هشت‌پری و غیره)، ج) تالشی جنوبی (شاندرومنی، ماسالی، ماسوله‌ای و غیره)؛ ۳. تاتی خلخال (شاهرود و خورش‌رستم خلخال)؛ ۴: گویش‌های طارم (گویش طارم علیا در استان زنجان (هزارودی، سیاوردی و غیره)؛ گویش‌های کلاس و کَبته در رودبار گیلان)؛ ۵: گویش‌های

1. Tatic

منطقه خوتین (استان زنجان)؛ گروه ۶: تاتی جنوبی (گویش‌های رایج در ناحیه رامند قزوین، اشتهارد و کرج)؛ گروه ۷: گویش‌های شمال و شمال شرق قزوین (مانند کوهپایه، مراغی رودبار علیا در رودبار الموت، گویش‌های منطقه الموت)؛ ۸ گروه: (گویش‌های الویر و ویدر در نزدیکی ساوه)؛ گروه ۹: گویش‌های وفس و اطراف آن در اراک استان مرکزی؛ گروه ۱۰: گویش‌های رودبار در دره سفید رود (در حال انتقال به زبان‌های خزری).

استیلو (۲۰۱۸) دسته‌بندی جدیدی از خانواده زبانی تاتیک ارائه کرد. ایشان در مقدمه تحقیق مفصل خود (۲۰۱۸) آورده است که دسته‌بندی فعلی‌اش از دسته‌بندی ۱۹۸۱ پیروی می‌کند و مواردی هم با داده‌های تازه انتشار یافته تکمیل شده است (استیلو، ۲۰۱۸: ۵۵۹). استیلو در تحقیق جدید خود، گروه خانواده زبانی تاتیک را به زبان‌های الف) تاتی، ب) تالشی و ج) تاتوئید^۱ (گروه‌های در حال انتقال مانند: طالقانی- الموتی و رودباری) اضافه کرده است. از مجموع آنچه ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که زبان تاتی از نظر گستردگی در بخش زیادی از ایران و خارج از آن رایج است. مردمانی زبان خود را تاتی می‌دانند، اما به گفته گویشوران یک منطقه نمی‌توان زبان آنها را تاتی نامید^۲. گویش مورد بررسی این مقاله گویش تاتی از شاهرود خلخال از استان اردبیل است. گونه مورد بررسی این مقاله گونه دروی^۳ deravi یا به تعبیر گویشوران خود منطقه dəravi است.

۳-پیشینه بحث

در زمینه شمار در زبان‌های مختلف تحقیقات فراوانی شده است که از بین آنها به پژوهش‌های کربت^۴ (۲۰۰۰)، کربت (۲۰۰۳)، کربت (۲۰۰۶: ۷۲۴-۷۳۱) و کربت و میتون^۵ (۱۹۹۶)، دانیل^۶ (۲۰۲۰)، دانیل و مورازیک^۷ اشاره کرد. تحقیقات تقریباً جامع در این زمینه را کربت انجام داده است.

1. Tatoid

۲. نیماپوشیچ در مقدمه دفتر شعرهای طبری خود نوشته است: «من شاعر زبان تاتی هستم» (اسفندیاری، ۱۳۷۱: ۶۱۳). در پژوهش‌های میدانی بر نگارنده مشخص شد دلیل اینکه نیما زبان اشعارش را تاتی نامیده، آنست که مردمانی از استان اردبیل از زمان‌های دور در استان‌های شمالی مشغول کار بودند، چون زبان این مردم قدیم‌تر از زبان مردم آن منطقه بود، زبان این عده از مردمان به‌عنوان زبانی قدیمی و کهن برای مردم استان‌های شمالی شناخته شده و بدان خاطر آنها برای نشان دادن کهنگی زبان خود، از صفت «تاتی» استفاده می‌کنند. محتمل است تاتی خواندن زبان نیما نیز ناظر بر همین جنبه باشد.

۳. برای پژوهش‌های انجام شده پیرامون این گونه زبانی نگاه کنید: سبزیلیپور، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴ و ۱۴۰۲.

4. Greville G. Corbett

5. Marianne Mithun

6. Daniel Michael

7. Moravesik Edith

در زبان‌های ایرانی، مقوله شمار در آثاری بررسی شده است. از آن جمله می‌توان به منابع زیر اشاره کرد: نغزگوی کهن (۱۴۰۱) جمع همراهی در تعدادی از گویش‌های ایرانی را بررسی کرده است. شیرزاد و درزی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای، ساختمان گروه شمار در زبان فارسی و نیز مسئله عدم مطابقت ظاهری میان عدد و معدود در زبان فارسی را بررسی کرده‌اند.

تنها پژوهشی که در زبان‌های ایرانی روش‌های بیان جمع را در یک گویش ایرانی بررسی کرده، طاهری (۱۴۰۲) است. طاهری در مقاله «شمار اسم در بادرودی» به این نتیجه رسیده که بادرودی (از زبان‌های مرکزی ایرانی، زیر شاخه گویش‌های شمال غربی که در شهر کوچک بادرود اطراف اصفهان رایج است)، مقوله شمار اسم را به چند روش ساختوازی، مطابقت فعلی، مطابقت ضمیری و مضاعف‌سازی بیان می‌کند.

۳- بنیاد نظری

مقوله دستوری اسم در حالت عادی ممکن است به یک نفر، دو نفر، یا بیشتر از دو نفر اشاره کند، اغلب زبان‌های دنیا اسم مفرد و جمع دارند، اما آنها را به روش‌های مختلفی نشان‌دار می‌کنند. اسم مثنی در زبان‌هایی وجود دارد و در زبان‌هایی نیز وجود ندارد. در زبان‌هایی، مثل فارسی نو و انگلیسی، منظور از جمع بیش از یک نفر است و در زبان‌های ایرانی باستان، مانند اوستایی، فارسی باستان (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۶۳) و عربی، منظور از جمع بیش از دو نفر است.

مفهوم جمع و نحوه نشان دادن آن در زبان از موضوعات مهم هر زبان است. این مفهوم از جهانی‌های زبان است و تحت عنوان «شمار» در دستور زبان و مباحث زبان‌شناختی شناخته می‌شود. شمار در همه زبان‌ها با درجه یکسانی وجود ندارد (Smit-Stark, 1974). شمار در زبان‌هایی، همچون زبان انگلیسی ممکن است اجباری باشد. به عنوان مثال در جمله:

1) There is a goat in the garden.

دقیقاً لفظ goat بر شمار مفرد (یک بُز) دلالت دارد و اگر بخواهند بگویند در باغ چند بُز (بیش از یک بُز هست)، باید به صورت زیر جمله خود را اصلاح کنند و گرنه نارسا خواهد بود:

2) There are two goats in the garden.

در جمله ۲ برای نشان دادن جمع هم فعل نشان‌دار شده و هم با روش ساختوازی یک علامت صرفی -s به آخر اسم مفرد اضافه شده است. در کنار زبان‌هایی همچون زبان انگلیسی که نشان

دادن مفهوم جمع در آنها اجباری است، زبان‌هایی همچون بایسو^۱ از زبان‌های کوشیتی هستند که شمار را مشخص نمی‌کنند (Corbet, 2000: 90).

زبان‌های دنیا برای نشان دادن چگونگی شمار در مبحث اسم، به روش‌های گوناگونی عمل می‌کنند. بعضی از این روش‌ها ساختوازی، بعضی نحوی و بعضی واژگانی است.

الف) روش ساختوازی: در روش ساختوازی، تکواژی صرفی به اسم‌های مفرد الحاق می‌شود تا نشان دهد که آن اسم مثنی یا جمع است. مانند زبان انگلیسی که s- جمع به اسامی مفرد می‌افزاید یا مانند زبان فارسی که علامت جمع خاص hâ و ân- دارد.

زبان‌هایی هستند که با تغییر ستاک مقوله شمار را به نمایش می‌گذارند. چنین تغییری در نواخت یا محل تکیه ستاک و یا با تغییرات آوایی در ستاک حاصل می‌شود. مانند: učeník- (شاگرد، مفرد) در مقابل učeníni- (شاگردان) در زبان مقدونیایی از مجموع زبان‌های اسلاوی جنوبی. در این زبان، کلمه‌ای که با ستاک تهی است، شمار مفرد و آن که با ستاک مختوم به i- است، شمار جمع را نشان می‌دهد (Corbett, 2000: 138-146).

ب) روش نحوی: در روش نحوی شمار به صورت نحوی یعنی مطابقت خود را نشان می‌دهد. کوربت (۲۰۰۰: ۱۳۵) مثالی از زبان انگلیسی به این صورت ذکر می‌کند:

3) Thos goatd are eating.

در این جمله، شمار اسم هم بر روی هسته گروه اسمی که goats است؛ و هم از طریق مطابقه با ضمیر اشاره those در گروه اسمی و هم خارج از گروه اسمی از طریق مطابقه با فعل are نشانه گذاری شده است. در انگلیسی اما گاهی اسم نشانه ساختوازی برای جمع ندارد و تنها مطابقه شمار اسم را نشانه گذاری می‌کند. فعل و ضمیرهای اشاره مهمترین اهداف مطابقه هستند. مانند: Those sheep are eating. (Corbett, 2000: 135-136).

ج- شمارنماها^۲: در این روش، برای بیان جمع، واژه‌ای خاص به صورت واژه‌بست به شکل مفرد اسم اضافه می‌شود. در این روش زبان‌ها مقوله شمار را به وسیله شمارنماها یا واژه‌های مخصوصی بیان می‌کنند که ویژه بیان شمار هستند. مانند واژه‌بست mga در زبان‌های آسترونزی در فیلیپین که شکل جمعش mga baky می‌شود (همان: ۱۳۵).

ه- تغییرات درون‌واژگانی: در این روش تغییری در واژه یا ستاک ایجاد می‌شود و صورت جدیدی برای شکل جمع اسم ساخته می‌شود. مانند روشی که در برخی از زبان‌های ژرمنی یا بعضی از زبان‌های عربی رایج است. مانند: goose انگلیسی (غاز، مفرد) که شکل جمعش به

1. Baiso

2. number word

صورت geese (غازها، جمع). یا کلب < کلاب kalbun > kelaabun در زبان عربی که نوعی جمع مکسر است (Corbett, 2000: 135-150).

و- **مضاعف‌سازی:** در روش مضاعف‌سازی که در برخی از زبان‌های بومیان استرالیا رایج است، ستاک برای نشان دادن شکل جمع، تکرار می‌شود. مانند زبان جیربال^۱ که در آن کل واژه تکرار می‌شود. مانند: púsa (گرهه)، pus-púsa (گره‌ها)، گاه نیز بخشی از اسم تکرار می‌شود، مانند: kajdin (بُر) و kal-kaldin (بُرها) در زبان ایلوکانو^۲ از زبان‌های آسترونزی در فیلیپین که در آن جزیی که مضاعف شده در اول واژه تکرار شده است (Corbett, 2000: 147).

ز- **روش واژگانی:** در روش واژگانی مقوله شمار صرفاً یک مقوله واژگانی است، به این صورت که هیچ تغییری صرفی یا نحوی در آن دخیل نیست. در این روش واژه‌ای خاص برای شکل جمع اسم به کار می‌رود که نسبتی با شکل مفرد کلمه ندارد. مانند: čelovek (شخص) و ljudi (اشخاص) در زبان روسی (Corbett, 2000: 155).

۴- تحلیل داده‌ها (انواع روش‌های جمع بستن در زبان تاتی)

زبان نظامی از نشانه‌هاست که انسان‌ها خلق کرده‌اند تا بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، این نظام همواره مطابق واقعیت نیست. گاهی واقعیت بسیار فراتر از آن چیزی است که در زبان برایش واژه‌ها و تعبیرهایی ساخته شده است، به همین خاطر در همه زبان‌های دنیا، مواردی از واقعیت فیزیکی است که در زبان منعکس نمی‌شود. منظور از مفهوم جمع در این پژوهش هر چیزی است که مصداق مادی یا مشارالیه آن در واقعیت بیش از یک مورد است. یعنی منظور از جمع ممکن است گاه دو تا باشد و گاه صد هزار تا باشد. وقتی نشانه جمع بر یک اسم ملحق می‌شود، آن نشانه، هم شامل دو تا و هم شامل صد هزار تا می‌شود. در دستور زبان، مقوله شمار اغلب در بحث اسم، ضمیر و فعل خود را نشان می‌دهد. مثل: «گاوهای شما رفتند». در این جمله، هر سه واژه (اسم، ضمیر و فعل) به صورت جمع به کار رفته‌اند. آنچه در این پژوهش مهم است آنست که زبان تاتی به چه روش‌هایی مفهوم جمع را نشان می‌دهد. زبان تاتی مفهوم جمع را به روش‌های مختلف زیر نشان می‌دهد:

1. Dyrbal
2. Ilkanu

۴-۱ روش ساختواژی

یکی از راه‌های بیان مفهوم جمع در زبان تاتی، استفاده از پایانه‌های صرفی یا ساختواژی است به این صورت که به اسم‌های مفرد، تکواژی اضافه می‌شود تا جمع را نشان‌دار کند. روش ساختواژی به چند شکل زیر مفهوم جمع را در زبان تاتی نشان می‌دهد:

(الف) اسم‌های خانوادگی با نشانه صرفی *-mân*

(ب) اندام‌های بدن انسان، با نشانه صرفی *-par*

(ج) اندام‌های بدن انسان با نشانه صرفی *-əmân*.

۴-۱-۱ اسم‌های خانوادگی با نشانه صرفی *-mân*

در زبان تاتی برای اسم‌های خانوادگی نشانه جمع خاصی به کار می‌رود. نشانه صرفی خاص به کار رفته با این اسم‌ها، *-mân* است. نشان‌دار کردن اسم‌های خانوادگی مختص زبان تاتی نیست، در سایر زبان‌ها از این روش نمونه‌های بسیاری گزارش شده است. در نمونه‌های زیر اسم‌های خانوادگی تاتی با نشانه جمع خاص خود آمده‌اند:

(۴) حسن اینا دیروز ظهر پیش ما بودند.

4) *hasan-mân zir nəhârə-râ čama varə ku bin.*

(۵) رضا اینا نمی‌توانند بیایند باغ.

5) *rəzâ-mân nəšân âmen raz.*

(۶) پدرم اینا دیشب پیش ما بودند.

6) *čəman pe-mân zira šavi čama ku ku bin.*

(۷) خاله اینا هنوز نیامده‌اند؟

7) *xala-mân halâ âma nin?*

این نوع جمع فقط برای انسان به کار می‌رود و برای اشیا و جاندار به کار نمی‌رود و نحوه اتصال آن هم به اسم‌های مختوم به صامت یا مصوت تفاوتی ندارد. در تمام یا اغلب زبان‌های ایرانی نشانه جمع برای اسامی خانوادگی وجود دارد. در زبان ترکی آذری (خلخال) این نشانه به صورت *-gil* ظاهر می‌شود. حسن گیل گتیلار *hasan-gil getti.lar* (حسن اینا رفتند). در گیلکی این علامت به صورت *-išun* احمد ایشون *ahmad-išun* (احمدینا). نغزگوی کهن (۱۴۰۱) این نوع جمع را با عنوان «جمع همراهی» بررسی کرده و شواهدی از گویش‌های ایرانی در آن پژوهش به دست داده است.

در زبان‌های ایرانی اسم‌های خانوادگی از نظر ساختوازی و نحوی با دیگر اسم‌ها تفاوت‌های بارزی دارند. سبزعلیپور (۱۳۹۸) با بررسی اسم‌های خانوادگی گویش‌هایی از تاتی، تالشی و گیلکی به این نتیجه رسیده است که این اسم‌ها روش‌های ساختوازی و نحوی ویژه‌ای دارند که آن روش‌ها در دیگر اسامی به چشم نمی‌آید. در زمینه نشاندار کردن اسم‌های جمع نام‌های خانوادگی نیز، روشی به کار می‌رود که سایر زمینه‌ها به کار نمی‌رود. این امر فرضیه‌ای را مطرح می‌کند که آیا اسم‌های خانوادگی یا اسم اعضای خانواده که یقیناً از اسم‌های اولیه هر زبان هستند، قوانین صرفی و نحوی خاصی در آغاز داشته‌اند که بعدها از بین رفته است؟ به عنوان مثال شکل فاعلی و غیرفاعلی اسامی خانوادگی در بسیاری از زبان‌های ایرانی، به ویژه شاخه شمال غربی، با شکل فاعلی و غیرفاعلی اسامی دیگر تفاوت بارزی دارد، به هر رو این نکته قابل تأمل است.

یک نوع جمع خاصی در زبان تاتی هست، که فقط یک نمونه از آنها یافت شده و آن هم نشانه جمع *nân*- است. به نظر نمی‌رسد این شکل جمع بستن، برای دیگر اسم‌های شایع بوده باشد، این تکواژ جمع‌نما، فقط با لفظ *piyar* (پدر) به کار می‌رود و جمعش می‌شود: *piyar.nân* (پدرها، پدری، پدر و مادر عروس و داماد).

۸) گولی رفته خانه پدر و مادر خودش. *guli šiya əştan piyarnân ka.*

اسم *piyar* (پدر) در زبان تاتی، همانند دیگر اسامی شکل جمع غیرفاعلی و فاعلی دارد و با *-ân/-ə* جمع بسته می‌شود.

۹) طفلکی [لفظاً: خانه خراب] پدرهای ما که روز [خوش] ندیدند.

9) *čama piyar-ân kə ruz nəvind.*

۱۰) پدرها کار می‌کنند، پسرها می‌خورند.

10) *piyar-ə kâr karən, zâr-ə har.ən.*

۴-۱-۲ اندام‌های بدن انسان، با نشانه صرفی *-par*

در زبان تاتی اندام‌های بدن روشی خاصی برای بیان مفهوم جمع دارند. در این روش ساختوازی، پایانه تصریفی *-par* در آخر اسامی اندام‌های بدن اضافه می‌شود. مانند: *dim-par* (صورت و نواحی اطراف آن).

۱۱) لب و لوچه تو کبود شده. *əštə ləv-par kav âbiya.*

telə-par	شکم و اطراف آن (تاتی کجلی)	dim-par	صورت و نواحی اطراف آن
kun-par	نشیمگاه و نواحی ران بدن	ləv-par	لب و لوچه
čaš-par	چشم و نواحی اطراف آن	das-par	دست و نواحی اطراف آن
guš-par	گوش و نواحی اطراف آن	jân-par	تمام بخش‌های بدن
luk-par	گلو و نواحی اطراف آن	zəŋgə-par	زانو و نواحی اطراف آن

در زبان تاتی این تکواژ تصریفی فقط برای اندام‌های بدن انسان به کار می‌رود و برای جاندار و اشیاء به کار نمی‌رود. کلمه‌ای که با این روش جمع بسته شود، دیگر علامت جمع دیگری به خود نمی‌گیرد. بنابراین، عبارت *dim-par-ân** (مجموعه صورت و نواحی اطراف آن) غیردستوری است.

۴-۱-۳ اندام‌های بدن انسان، با نشانه صرفی *-əmân*

در زبان تاتی گویش مورد بررسی، نشانه ساختواژی دیگری برای بیان جمع برای اندام‌های بدن به کار می‌رود آن همچون واژه‌بست به اسم مفرد اضافه می‌شود و مفهوم جمع را می‌رساند. مانند اسم‌های زیر:

jân-əmân (مجموع اندام‌های بدن)
kun-əmân (مجموع نشیمگاه و حوالی آن).
mət.əmân (مجموع حرکات و راه رفتن)

واژه *kunəmân* امروزه برای اشاره به ناحیه‌ای از شلوار که بخش نشیمگاه بدن را می‌پوشاند، نیز اطلاق می‌شود. ظاهراً این واژه گسترش معنایی پیدا کرده است. این دو اسم هم در زمانی که چنین علامت جمعی بر سرشان ظاهر شده، دیگر علامت جمع دیگری نمی‌پذیرند. بنابراین عبارت *jân.əmân.ân** (بدن‌ها، مجموعه بخش‌های مختلف بدن) غیردستوری است.

۴-۱-۲ روش ساختواژی - نحوی

در این روش، هم تغییرات ساختواژی و هم تغییرات نحوی در شکل مفرد اسم اتفاق می‌افتد. در زبان تاتی گونه مورد بررسی، حالت و نقش نحوی اسم، در تعیین شکل آن نقش دارد. اسم اگر حالت غیرفاعلی داشته باشد، علامت جمع آن *-ân* و اگر فاعلی باشد، علامت آن *-ə* خواهد بود.

علامت جمع اسم در حالت عادی	
غیرفاعلی <i>-ân</i>	فاعلی <i>-ə</i>

12) gəv bə.še. (۱۲) گاو رفت.
سوم شخص مفرد. رفت. گذشته گاو (فاعلی)

13) az gâvə bar.əm. (۱۳) من گاو را می‌برم.
اول شخص مفرد. بردن. حال گاو (غیرفاعلی) من (فاعلی)

14) gâv.ə bə.šin. (۱۴) گاوها رفتند.
۳ شخص جمع رفتن. گذشته جمع. گاو (فاعلی)

15) az gâv.ân bar.əm. (۱۵) من گاوها را می‌برم.
اول شخص مفرد. بردن. حال جمع. گاو (غیرفاعلی) من (فاعلی)

16) az xərdan.ə bar.əm. (۱۶) من بچه را می‌برم.
اول شخص مفرد، بردن. حال بچه (غیرفاعلی) من فاعلی

17) az xərdan.ân bar.əm. (۱۷) من بچه‌ها را می‌برم.
اول شخص مفرد. بردن. حال جمع. بچه (غیرفاعلی) من (فاعلی)

هم‌چنانکه مشخص است، اسم مفرد، در حالت غیرفاعلی تکواژ ə- می‌گیرد. اسم جمع هم در حالت غیرفاعلی ân- و در حالت فاعلی ə- می‌گیرد. این امر در مثال‌های شماره ۱۴ و ۱۵ به خوبی پیداست. شکل جمع اسم برای انسان، حیوان و غیرجاندار هیچ تفاوتی ندارد و برای هر سه مورد شکل جمع یکسان به کار می‌رود.

در زبان تاتی، اسم مفرد برای نشاندار کردن شمار جمع تابع وضعیت نحوی است. این ویژگی بخاطر رعایت کردن حالت کنایی یا ارگتیو است. به این صورت که حالت فاعل فعل‌های مضارع (لازم و متعدی) و ماضی لازم با حالت مفعول فعل‌های ماضی متعدی، یکسان و در عوض مفعول فعل‌های مضارع (متعدی) با فاعل فعل‌های ماضی لازم یکسان است. در این حالت که در جملات با فعل ماضی متعدی رخ می‌دهد، فاعل به شکل غیرفاعلی و مفعول به شکل فاعلی خود را نشان می‌دهد و فعل از نظر شخص، شمار و جنس با مفعول خود را تطبیق

می‌دهد. این امر باعث می‌شود که علامت جمع اسم هم در این حالت برعکس آن چیزی باشد که در بالا شرح داده شد. یعنی در حالت ارگتیو علامت اسم جمع در حالت فاعلی -ân و در حالت غیرفاعلی -ə است.

علامت جمع اسم در حالت ارگتیو	
فاعلی -ân	غیرفاعلی -ə

18) من گاو را دیدم.

18) man gâv bind.
اول شخص مفرد. دیدن. گذشته گاو (فاعلی) من (غیرفاعلی)

19) من بچه را دیدم.

19) man xərdan bind.
اول شخص مفرد. دیدن. گذشته بچه (فاعلی) من (غیرفاعلی)

20) من گاوها را دیدم.

20) man gâv.ân=əm bidn
اول شخص مفرد. دیدن. گذشته / واژه‌بست ۱ مفرد / گاوها (فاعلی) / من (غیرفاعلی)

21) من بچه‌ها را دیدم.

21) man xərdan.ân=əm bind
اول شخص مفرد. دیدن. گذشته / واژه‌بست ۱ مفرد / بچه‌ها (فاعلی) من (غیرفاعلی)

هم‌چنانکه مشخص است اسمی که در نقش مفعول است، در جملات با فعل ماضی متعدی شکل فاعلی به خود می‌گیرد فاعل هم به شکل غیرفاعلی ظاهر می‌شود. علامت جمع در این جملات برعکس جملات جدول قبلی است. یعنی برای شکل غیرفاعلی علامت جمع -ân و برای شکل فاعلی علامت جمع -ə است. در اینجا نیز شکل جمع اسم برای انسان، حیوان و غیرجاندار هیچ تفاوتی ندارد و برای هر سه مورد شکل جمع یکسانی به کار می‌رود. اگر با افعال ماضی متعدی مفعول مؤنث باشد، حالت غیرفاعلی به خود می‌گیرد و در عین حال، مطابقه با فعل نیز در این‌جا برقرار می‌شود. یعنی مفعول با فعل خود مطابقت دارد. در تعدادی از گونه‌های تاتی تمایز جنس دستوری مؤنث رعایت می‌شود و در تعدادی نیز رعایت نمی‌شود (سبزیلیپور، ۱۳۹۲). در جمله زیر چنین تمایزی خود را نشان می‌دهد.

۲۲) من گاوها را دیدم (تاتی گرنقی)

22) man gâow.ə=m bind.ənd.

۳ شخص جمع. دیدن. گذشته واژه‌بست ۱. گاو (فاعلی) من (غیرفاعلی)

در جمله شماره ۲۲، gâow=ə=m مفعول و جمع است و علامت جمعش ə- با واژه‌بست اول شخص مفرد ə-m- در هم ادغام شده است. gâow.ə در این جمله مفعول است چون جمع است، فعل خودش را با آن تطبیق داده و جمع آمده است.

۴-۱-۵ روش مضاعف‌سازی

یکی از روش‌های بیان جمع در زبان تاتی روش مضاعف‌سازی است. در این روش، بخشی از اسم مفرد تکرار شده و آنچه به دست می‌آید، القاکننده مفهوم جمع خواهد بود در زبان فارسی و سایر گویش‌های ایرانی نیز چنین روشی برای بیان جمع گزارش شده است. در زبان فارسی به این روش اتباع می‌گویند. «اتباع در لغت یعنی «پیروی کردن». به گفته ادوارد ساپیر (۱۳۷۶: ۱۱۹) در همه زبان‌های دنیا اتباع به کار می‌رود. در زبان فارسی اتباع به صورت اسم، صفت و قید، عمدتاً در زبان گفتاری به کار می‌رود» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). در بادرودی (از گویش‌های مرکزی ایران) نیز نمونه‌هایی از مضاعف‌سازی اسم‌های خانوادگی نشان داده است (مثال‌ها از طاهری ۱۴۰۳: ۳۶):

dot > dot-mot

دختر > دخترها

jen > jen-men

زن > زن‌ها

برای مضاعف‌سازی در زبان تاتی، فقط اولین واج اسم مفرد به /m/ تبدیل می‌شود و غیر از واج اول، بقیه اسم تکرار می‌شود. در این زبان فقط همین یک واج برای مضاعف‌سازی وجود دارد. در حالی که در زبان فارسی دو واج /p/ و /m/ برای مضاعف‌سازی وجود دارد. در زبان فارسی اتباع به صورت اسم، صفت و قید و عمدتاً در زبان گفتاری به کار می‌رود. در ادامه نمونه‌هایی از اسم مضاعف‌شده یا اتباع در زبان تاتی ذکر شده است. در زبان تاتی بین انسان، حیوان و غیرجاندار در این زمینه فرقی نیست. در مثال‌های زیر «لباس» (شیء) و «روباه» (حیوان) نیز مضاعف شده‌اند.

معنا	جمع	مفرد
لباس < لباس‌ها و رخت‌ها	xalâv-malâv	xalâv
روباه < حیوانات وحشی	liyâs-miyâs	liyâs
بچه < بچه‌های کم‌سن‌وسال	xærdan-mærdan	xærdan
خانه < خانه و ساختمان؛ ملک و املاک	ka-ma	ka

۴-۱-۶- ترکیب

در زبان تاتی روشی برای بیان مفهوم جمع وجود دارد. در این روش دو اسم با هم ترکیب می‌شوند و معنای جمع و کلیت را می‌رساند. مانند اسم *mâr-xâvar* (خواهر- مادر، مجموع خواهر، مادر، و جنس زنانه، ناموس) در جمله زیر:

۲۳) تو ناموست (خواهر و مادرت و زن و فرزندت) را به او می‌سپاری؟
 23) *tə əštə mâr-xâvar^۱ čəmân râ harzi?*

۲۴) شب و روز (همیشه) کار می‌کند، باز هم نمی‌تواند برسد.
 24) *šavə ruz kâr karə hani nəšâ ârasəsen.*

۲۵) کل خانه (لفظاً بالا و پایین خانه) را کثیف کرده بود.
 25) *ka jir kaffâ=š pe.riya b.*

۲۶) همه را (لفظاً بزرگ و کوچک را) اسیر خودت کردی.
 26) *pilla vøllə=ər əštam asir karda.*

۲۷) خانه و درب خانه (مجموع ملک و املاک) ما را مواظب باش.
 27) *čama ka- bar.ə čaš bədâ!*

۱. این ترکیب در زبان فارسی به صورت *xâr-mâdar* در همین مفهوم بیان می‌شود.

۴-۱-۸- مطابقت ضمیری

در زبان تاتی همانند بسیاری از زبان‌های دنیا، ضمایر هم مفهوم جمع را به روشی نشان‌دار می‌کنند. دو دسته ضمایر در زبان تاتی هستند که عده‌ای مفرد و عده‌ای نیز جمع هستند. شکل‌های مفرد و جمع به دو صورت فاعلی و غیرفاعلی ظاهر می‌شوند:

مفرد		جمع	
فاعلی	غیرفاعلی	فاعلی	غیرفاعلی
اول شخص	az	man	ama
دوم شخص	tə	tə	šəma
سوم شخص	a	avə	avân

ضمایر ama, šəma, avâvn/ avə در زبان تاتی هستند که دو ضمیر avə/ avân نسبت به هم توزیع تکمیلی دارند و هیچ کدام با هم در یک بافت ظاهر نمی‌شوند. این دو ضمیر علاوه بر انسان، برای حیوان و اشیاء هم به کار می‌روند. دو ضمیر šəma و ama شکل فاعلی و غیرفاعلی‌شان یکسان است.

۲۸) گاوها رفتند باغ، آنها را آنجا نگه‌دار!

28) gâv.ân bəšin raz! avân agâ qam ba!

۲ مفرد. نگه‌داشتن. امر / آنجا / آنها غیرفاعلی / باغ / ۳ جمع. رفتن حال / گاوها (غیرفاعلی)

۲۹) کتاب‌هایت را بردار، آنها خیس می‌شوند.

29) əštə kitâv.ân pe.gi avə tar bun.

۳ جمع، تر شدن، حال / آنها (فاعلی) / ۲ مفرد، برداشتن، امر / کتاب‌ها (غیرفاعلی) / خودت

دو شکل فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها (گاوها، کتاب‌ها) و نیز دو شکل فاعلی و غیرفاعلی ضمایر سوم شخص مفرد در دو مثال بالا ظاهر شده است. در دو مثال بالا، هرگاه مفهوم جمع با فعل جمع بیان شده، ضمایر هم به صورت جمع avân/avə نشانه‌گذاری شده‌اند.

۴-۱-۸- مطابقت فعلی

در زبان تاتی، علاوه بر اینکه اسم، شمار جمع را نشانه‌گذاری می‌کند، مطابقت فعلی هم در شمار اسم وجود دارد به این صورت که اسمی که نشانه صرفی جمع دارد، فعل را نیز ناگزیر به

مطابقت از خود می‌کند و فعل اسم جمع به صورت جمع نشانه‌گذاری می‌شود. روش‌های نشانه‌گذاری فعل جمع در زبان تاتی، افزودن پایانه‌های ساختواژی-نحوی (=شناسه) است. در زیر شناسه‌های فعلی تاتی دروی ذکر شده است:

شمار / شخص	دسته یک ^۱	دسته دو	دسته سه
مفرد	۱ (i)m-	(v)m-	-âm
	۲ (i)š-	i-	-âš
	۳ (ə/e/φ)-	ə-	-â
جمع	۱ (i)mân-	am-	-âmân
	۲ (i)rân-	a-	-ârân
	۳ (i)ndə-	undə-	-ândə

در زبان تاتی فعل جمع با استفاده از پایانه‌هایی که در جدول بالا ذکر شد، مفهوم جمع را با روش مطابقت فعلی نشان می‌دهد. مطابقت فعلی در زبان تاتی اختیاری نیست بلکه اجباری است و فعل باید چنین مطابقتی را انجام دهد. از آنجا که زبان تاتی از زبان‌هایی است که ساخت کنایی (ارگتیو) را رعایت می‌کند، در جملاتی که فعل‌شان ماضی متعدی است، فعل به جای مطابقت با فاعل یا عامل، با مفعول خود را مطابقت می‌دهد، یعنی اگر فاعل مفرد، ولی مفعول جمع باشد، فعل خود را با مفعول جمع مطابقت داده، نشانه جمع به خود گرفته و نشان‌دار می‌شود.

۳۰) ما یک گوسفند دید [دیدیم] (تاتی دروی).

30) ama ila pas bind.
۱ مفرد. دیدن. گذشته / گوسفند (فاعلی) / یک (طبقه‌نما) / ما (غیرفاعلی)

۳۱) آنها ترا زدند (تاتی کجلی).

31) avân tə=šân bezz=iš.
۲ مفرد. زدن. گذشته ۳ جمع = تو (فاعلی) آنها (غیرفاعلی)

۱. در تاتی دروی شناسه‌های دسته یک برای ساخت فعل‌های ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی نقلی، ماضی استمراری، مضارع مستمر؛ شناسه‌های دسته دو برای ساخت فعل‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، ماضی التزامی و نیز فعل امر و نهی؛ و شناسه‌های دسته سه برای ساخت فعل مضارع تمنایی به کار می‌روند. ضمائر متصل غیرفاعلی نیز برای فعل‌های ماضی متعدی به کار می‌روند.

32) zeynabə	âmâ	bind-əmən.
زینب	ما (فاعلی)	جمع. دیدن. گذشته
(غیرفاعلی)		

در مثال ۳۰، ama ضمیر جمع است، اما چون فعل از مفعول مفرد تبعیت می‌کند، به صورت مفرد آمده است. در مثال ۳۱، مفعول مفرد، فعل را به ناچار به شکل مفرد نشان‌دار کرده است، گرچه فاعلش (آنها) جمع است. در جمله ۳۲ بالا، فاعل، مفرد و مفعول جمع است. فعل برای مطابقه با مفعول جمع، به صورت جمع آمده است.

۴-۱-۹- روش واژگانی (معناشناسی)

در زبان تاتی، واژه‌هایی وجود دارند که نه از نظر ساختوازی، نه نحوی و نه مطابقه می‌توان به جمع بودن آنها پی برد. چنین واژه‌هایی کاملاً بی‌نشان هستند و فقط از نظر دلالت معنایی می‌توان به مفهوم جمع آنها پی برد. در دستورهای سنتی زبان فارسی، به چنین جمع‌هایی «اسم جمع» می‌گویند. نمونه‌های زیر از این دسته هستند:

xâla (مجموعه بره‌ها و بزغاله‌ها)، ge (گله گاو، اسب، استر و الاغ)، rama (رمه، گله)، mâl (مجموع دام، رمه)، kâvla- mâl (گله‌های اختصاصی). این کلمات در زبان تاتی با فعل مفرد به کار می‌روند و فقط مفهومشان جمع است یعنی مدلول آنها در واقعیت بیش از یک مورد تاست.

۵- نتیجه‌گیری

روش‌های بیان مفهوم جمع یا نشان‌دار کردن اسم جمع متعدد است. هر زبانی با روش یا روش‌هایی اسم جمع را نشان‌دار می‌کند. تعدادی از این روش‌ها ساختوازی، تعدادی نحوی و بعضی نیز واژگانی هستند. در زبان تاتی دروی که از مجموع زبان‌های ایرانی شاخه شمال‌غربی است و در روستایی در شاهرود خلخال رایج است، روش‌های بیان جمع، متعدد است. در این زبان روش‌های ساختوازی، ساختوازی- نحوی، مطابقه فعلی و مطابقه ضمیری، مضاعف‌سازی، ترکیب و نیز روش و واژگانی برای بیان مفهوم شمار جمع به کار می‌روند. در این زبان رعایت شمار جمع اجباری است، بدین صورت که اسم جمع باید به روشی از روش‌ها نشان‌دار شود. به‌طور کلی، در تاتی دو روش مفهوم جمع بیان می‌شود یا روش نشان‌داری (که در آن به روشی اسم مفرد با علامت خاصی به جمع تبدیل می‌شود)، یا به صورت بی‌نشانی که در آن روش

واژگانی به کار می‌رود. یعنی واژه‌های خاصی بدون هیچ نشان ظاهری، معنای جمع را در دل خود نهان کرده‌اند.

در این زبان، نام‌های خانوادگی و نیز اندام‌های بدن، هرکدام روش خاصی برای بیان جمع دارند که در هیچ بافت دیگری آن روش به کار نمی‌رود. رعایت ساخت ارگتیو در این گویش باعث شده، اسم‌های جمع و نیز تعدادی از ضمائر، دو شکل فاعلی و غیرفاعلی داشته باشند. فعل در ساخت ارگتیو از نظر شمار جمع خود را نه با فاعل، بلکه با مفعول مطابقت می‌دهد. در گویش‌هایی از تاتی خلخال (مانند کرنقی، لردی و کجلی) که تمایز جنس دستوری حفظ شده، فعل نه تنها از نظر شمار، بلکه از نظر جنس دستوری هم باید با مفعول مطابقت داشته باشد.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۳). دستور تاریخ زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- اسفندیاری، علی (نیمایوشیج) (۱۳۷۱). مجموعه کامل اشعار نیمایوشیج. تدوین سیروس طاهباز، تهران: انتشارات نگاه.
- اصغری، احمد (۱۳۸۵)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalâsur)». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. دوره یک، شماره ۲، س ۴۹، شماره مسلسل ۱۹۸، بهار، ۲۰۶-۲۳۸.
- برهانی‌نیا، کوروش (۱۳۹۶). فرهنگ تاتی رودبار. رشت: فرهنگ ایلیا.
- دیپیم، گیتی (۱۳۸۴). بررسی خرده‌گویش‌های منطقه قصران به انضمام واژه نامه قصرانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵). تاریخچه زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵). تاریخچه زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۱). فرهنگ تاتی. رشت: فرهنگ ایلیا.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۴). گنجینه گویش‌های ایرانی، تاتی خلخال. فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۸). «بررسی نحوی و ساختوازی اسامی خویشاوندی در زبان‌های حاشیه کاسپین». پژوهش‌های زبانی - ادبی قفقاز و کاسپین. دوره یک، شماره یک، صص ۵۷-۷۸.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۴۰۲). «گستره جغرافیایی زبان تاتی و ارتباط آن با زبان پهلوی اشکانی (پارتی)». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. دوره ۱۵، شماره یک (پیاپی ۳۰) صص ۵۳-۹۴.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۲). «تمایز جنس مؤنث و مذکر در گویش تاتی خلخال». زبان‌ها و گویش‌های ایرانی. دوره جدید، شماره دوم، شماره پیاپی ۲، صص ۶۵-۹۰.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست، حسن‌دوست، محمد (۱۴۰۲). فرهنگ مصادر تاتی، تالشی و گیلکی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- شیرزاد، امیرمحمد و درزی، علی (۱۴۰۲). «مقوله‌گردانی و نظام شمار در زبان فارسی». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی. دوره ۱۵، شماره یک (پیاپی ۲۸)، ۱۳۷-۱۵۸.
- صفرزاده، حبیب (۱۳۸۲). گویش تاتی شمال خراسان. مشهد: سخن‌گستر.
- طاهری، اسفندیار (۱۴۰۳). «درباره شمار اسم در بادرودی». نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی. دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۰، ص ۲۵-۳۸.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۴). واژه‌سازی و دستور (مجموعه مقالات). گردآورده احمد خندان، تهران: کتاب بهار.
- علیزاده جوینی، علی (۱۳۸۹). نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار زیتون، رستم‌آباد، رحمت‌آباد و رشت: فرهنگ ایلیا.
- لُکوک، پیر. (۱۳۸۳). «گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران». راهنمای زبان‌های ایرانی. ۴۸۹-۵۱۵.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۴۰۱). «جمع همراهی در زبان‌های ایرانی». زبان و زبان‌شناسی. دوره ۱، شماره ۳۲، صص ۴۹-۵۹.
- Abulghasemi, Mohsen. (2004). A Dictionary of the History of the Persian Language. Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Alizadeh Joboni, Ali. (2010). The First Dictionary of the Tati Dialect of Rudbar Zeytun, Rostamabad, Rahmatabad, etc. Rasht: Farhang Ilya. [In Persian]
- Asghari, Ahmad. (2006). "The Verb in the Tati Dialect of Kalâsur." Tabriz Faculty of Literature and Humanities, Vol. 1, No. 2, Serial No. 198, Spring, pp. 206–238. [In Persian]
- Borhani-Niya, Korosh. (2017). The Tati Language of Rudbar. Rasht: Ilya Culture. [In Persian]
- Corbett, G. G. (2000). *Number*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Corbett, G. G. (2003). The Role of Agreement in Natural Language. *Proceedings of the 2001 Texas Linguistic Society Conference*, Austin, Texas.
- Corbett, G. G. (2006). "Number". In K. Brown (Ed.), *Encyclopaedia of language and linguistics* (pp. 724-731). Amsterdam: Elsevier.
- Corbett, G., & Mithun, M. (1996). "Associative forms in a typology of number systems: Evidence from Yup'ik". *Journal of Linguistics*, *32*(1), 1–17.
- Daniel, M., & Moravcsik, E. (2005). "Associative plurals". In M. S. Dryer, M. Haspelmath, D. Gil, & B. Comrie (Eds.), *World atlas of language structures* (pp. 150–153). Oxford: Oxford University Press.
- Deyhim, Giti. (2005). A Study of the Subdialects of the Qasran Region, Including the Qasrani Dictionary. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian]
- Esfandiari, Ali (Nima Yushij). (1992). The Complete Collection of Nima Yushij's Poems. Edited by Siros Tahbaz. Tehran: Negah Publications. [In Persian]
- Lockwood, Pierre. (2004). "Dialects of the Caspian Sea and Northwestern Iran." In *Guide to Iranian Languages*, pp. 489–515. [In Persian]

- Nagzgooi Kohan, Mehrdad. (2022 [1401 A.H.]). "Plural Forms of Companions in Iranian Languages." *Language and Linguistics*, Vol. 1, No. 32, pp. 49–59. [In Persian]
- Rezaei Baghbidi, Hassan. (2006). *History of Iranian Languages*. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust & Hassandoust, Mohammad. (2013). *Dictionary of Tati, Taleshi, and Gilaki Infinitives*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust. (2012). *Tati Language*. Rasht: Ilya Culture. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust. (2013). "Gender Distinctions in the Tati Dialect of Khalkhal." *Iranian Languages and Dialects*, New Series, No. 2, Serial No. 2, pp. 65–90. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust. (2013). "The Geographical Range of the Tati Language and Its Relationship with the Pahlavi (Parthian) Language." *Linguistics and Dialects of Khorasan*, Vol. 15, No. 1 (30th issue), pp. 53–94. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust. (2015). *Treasury of Iranian Dialects: Tati of Khalkhal*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian]
- Sabzalipour, Jahandoust. (2019). "A Syntactic and Structural Study of Kinship Terms in the Languages of the Caspian Littoral." *Linguistic-Literary Researches of the Caucasus and the Caspian*, Vol. 1, No. 1, pp. 57–78. [In Persian]
- Safarzadeh, Habib. (2003). *The Tati Dialect of North Khorasan*. Mashhad: Sokhangostar Publications. [In Persian]
- Shirzad, Amir Mohammad & Darzi, Ali. (2013). "Categorization and Number System in Persian." *Journal of Linguistic Research*, Vol. 15, No. 1 (Serial No. 28), pp. 137–158. [In Persian]
- Smith-Stark, T. C. (1974). "The plurality split". *Chicago Linguistic Society*, *10*, 657-672.
- Stilo, D. L. (1981). "The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia". *Iranian Studies*, *14*(3-4), 137-187.
- Stilo, D. L. (2018). "The Caspian region and South Azerbaijan: Caspian and Tatic". In G. Haig & G. Khan (Eds.), *The languages and linguistics of Western Asia: An areal perspective* (pp. 659-824). Berlin: De Gruyter.
- Tabatabaei, Alaeddin. (2015). *Word Formation and Grammar (Collected Articles)*. Compiled by Ahmad Khandan. Tehran: Bahar Book. [In Persian]
- Taheri, Esfandiar. (2013). "On the Number of Nouns in the Badrudi Dialect." *Journal of Linguistic Research*, Vol. 16, No. 1 (Serial No. 30), pp. 25–38. [In Persian]
- Yarshater, E. (1959). "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, *22*(1), 52-68.
- Yarshater, E. (1960). "The Tati Dialect of Kajal". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, *23*(2), 275-286.
- Yarshater, E. (1969). *A grammar of Southern Tati dialects*. The Hague: Mouton.